ادامه از صفحه اول

استاد بی‌بدیل روزنامه‌نگاری

صبح خیلی زود سیروس جان علی‌نژاد با بغضی درگلومانده تلفن کرد تا شاید اندوه از دست‌دادن دکتر را با من قسمت کند. بعد از سال‌ها رفاقت با سیروس نازنین هرگز نمی‌اندیشیدم که روزی برسد که روح خشکیده و تشنه مرا باران چشمان این رفیق کهنه‌سوارِ روزنامه‌نگارم، صیقلی کند. اما به جای هر حرفی، هر دو مثل پرنده‌ای کوچک که در دستان عقاب روزگار کج‌مدار گرفتار شده است، ناله کردیم، مویه کردیم، دلمان نمی‌خواست این خبر بد درست باشد. شب تا صبح آرزو کرده بودیم که یکی پیدا شود و خبر را تکذیب کند، اما خودمان را گول زده بودیم. استادمان در حسرت دیدن دوباره دیو سپیدپای دربند، دماوند، چشم از جهان فروبسته بود. هرگز یادم نمی‌رود وقتی کتاب سال‌های دانشکده منتشر شد، استاد با خوشحالی تلفن کرد که یک نسخه از کتاب را برایم یادگاری بنویس و بفرست. از قضای روزگار شهناز خسروجاه، هم‌دانشکده‌ای عزیزمان، این سعادت را داشت که در آن سوی آب‌ها با استادمان همسایه باشد. کتاب را دادم که برای استاد ببرد و حالا خوشحالم از اینکه اگر دکتر الهی نازنین در حسرت دیدار شاگردانش ماند، لااقل با دیدن نوشته‌های برخی از دانشجویانش و دل‌نوشته‌هایی درباره خودش، استادان همکارش و دانشکده جانش راضی و خشنود از پیش‌مان برای همیشه رفته است. دکتر صدرالدین الهی در روز ۱۳ آذر سال ۱۳۱۳ در محله عودلاجان تهران چشم به جهان گشود. هنوز دیپلمش را نگرفته بود که با هدایت دکتر مصباح‌زاده به‌عنوان خبرنگار شهری به سردبیر روزنامه کیهان معرفی شد. صدرالدین الهی خیلی زود، گل کرد. از خبرنگاری تا مجله‌نویسی، از پاورقی‌نویسی تا روزنامه‌نگاری و بعد ورزشی‌نویسی تا گفت‌وگو با بزرگان فرهنگ، ادب و سیاست که هرکدام برای خود ویژگی‌هایی داشت که کسی پیش از او نکرده بود. راه‌اندازی مجله کیهان ورزشی با همکاری کاظم گیلان‌پور ازجمله آن ویژگی‌ها بود. دکتر الهی سپس برای تکمیل تحصیلات دانشگاهی به فرانسه رفت و چندین دیپلم و مدرک دکتری در زمینه‌های مختلف کسب کرد. وقتی به کشور بازگشت، حالا یک استاد تمام‌عیار شده بود. وقتی ۳۷ سال داشت، به‌عنوان استاد به دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی وارد شد و خیلی زود مدیرگروه روزنامه‌نگاری این دانشکده شد. پیش از وقوع انقلاب برای سفری مطالعاتی به آمریکا رفت و پس از آن همان‌جا ماند و تا دیروز که چشم از جهان فروبست، لحظه‌ای از پای ننشست و کار مطبوعاتی را عاشقانه ادامه داد و از آثار گردآوری‌شده خود چند جلد کتاب خواندنی منتشر کرد. کتاب‌هایی مثل «طفل صدساله‌ای به نام شعر نو»، «با سعدی در بازارچه زندگی»، «گفت‌وگو با سیدضیا»، «دوری‌ها و دلگیری‌ها» و «نقد بی‌غش» که گفت‌وگویی است جذاب و خواندنی با دکتر پرویز ناتل‌خانلری. اما دریغ و درد که جامعه روزنامه‌نگاری ما بیش از ۴۰ سال از وجود استادی چنین بزرگ، بهره نبرد. استاد دکتر الهی، جدای از توانمندی‌هایی که در استادی داشت و ویژگی‌هایی که او را از بقیه استادان متمایز می‌کرد، با دانشجویانش رفیق بود و این رفاقت را تا آخر عمرش حفظ کرد. هرازگاهی تلفن می‌کرد و حال‌واحوال می‌پرسید. وقتی قرار شد با دوستانم پنجاهمین سال فعالیت دانشکده‌مان را جشن بگیریم، تلفن کرد و گفت از قول من به همه بچه‌های دورمانده از من که آن روزگاران «همسفران جوانم» خطاب‌شان می‌کردم، سلام برسان و بگو که من اینجا گرچه از شما دورم ولی دلم همواره با شماست و بگو که همه‌شان را دوست دارم و امیدوارم تا لحظه آخر در تله‌ای که با من افتاده‌اید! بمانید.

بررسی طرح صیانت از فضای مجازی در کلاب‌هاوس سه‌شنبه‌های «شرق»:

انزوای بین‌المللی، نتیجه طرح صیانت

شرق: در سه‌شنبه هفته گذشته، موضوع کلاب‌هاوس سه‌شنبه‌های «شرق»، بررسی طرح صیانت از فضای مجازی بود. در نشست‌های سه‌شنبه‌های «شرق» هر هفته یکی از مسائل سیاسی و اجتماعی کشور با حضور کارشناسان بررسی می‌شود و این بار این کلاب‌هاوس با موضوع اینترنت و ضدونقیض‌های یک طرح، میزبان امیر ناظمی، معاون سابق وزیر ارتباطات، رضا الفت‌نسب، عضو اتحادیه کسب‌وکارهای اینترنتی، محمد کشوری، مدیر گروه علمی تحقیقی طیف، حسین میرزاپور، کارشناس تنظیم‌گری فضای مجازی و حامد بیدی، مدیرعامل سامانه کارزار، بود. در ابتدای این نشست میزبان جلسه با بیان اینکه پاییز سال ۹۷ برای اولین بار در مجلس دهم از طرحی به نام طرح ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی رونمایی شد که درواقع پیش‌نویس آن را هم کمیسیون فرهنگی مورد بررسی قرار داده بود. این طرح شباهت زیادی با طرح صیانت فعلی داشت و یک هیئت نظارت با ۱۳ عضو تشکیل شد که در واقع در بندهای طرح بود که مشروط‌شدن فعالیت‌های پیام‌رسان‌های داخلی و خارجی اثرگذار به تشخیص یک هیئت نظارت گذاشته شده بود. او تصریح کرد: «طرح به خاطر ایرادات گسترده‌ای که داشت همان زمان به مرکز پژوهش‌های مجلس رفت و دوباره سال ۹۸ با یک‌سری تغییرات جدید در دستور کار کمیسیون فرهنگی قرار گرفت؛ اما با توجه به مخالفت مجلس و دولت وقت درواقع طرح راه به جایی نبرد تا اینکه با نزدیک‌شدن پایان عمر مجلس دهم، طرح مذکور هم به فراموشی سپرده شد؛ اما مجلس یازدهم با اکثریت احزاب جدید و احزاب مخصوصا اصولگرا روی کار آمد و طرح بار دیگر مطرح شد و به جریان افتاد. درواقع نمایندگان مجلس یازدهم یک پیش‌نویس طرحی را با نگاه به طرح قبلی تهیه کردند که ۲۶ مرداد ۹۹ اعلام وصول شد و برای بررسی در دستور کار کمیسیون قرار گرفت. این طرح درواقع آن‌طور که منتقدان طرح می‌گویند، از طرح قبلی تاریک‌تر بود و دوباره با توجه به مخالفت دولت و وزیر ارتباطات وقت یعنی آقای جهرمی، تا خرداد ۱۴۰۰ در دستور کار مجلس قرار نگرفت. درواقع آقای جهرمی همان موقع هم یکی از منتقدان طرح بود. بعد از آن، نام طرح عوض شد و این بار طرح با عنوان «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی و ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» در ۲۰ ماده در تابستان ۹۹ تنظیم شد و قرار بود نمایندگان مجلس اوایل تیرماه به بررسی این طرح ذیل اصل ۸۵ رأی بدهند. نکته‌ای که هست همین‌جا بود که درواقع واکنش کاربران و رسانه‌ها و فضای مجازی خیلی شدت گرفت و کارزار راه افتاد و درواقع طرح با همین اسم هم معروف است. مفادی که در آن طرح بود، یکی از آن چیزهای اساسی‌اش این بود که اینستاگرام قرار است فیلتر شود؛ یعنی می‌گفتند که پیام‌رسان‌های اصلی مثل اینستاگرام و شبکه‌های مجازی مثل اینستاگرام و توییتر و تلگرام و اینها باید نماینده‌های‌شان معرفی شوند، به ایران بیایند و در ایران دفتر بزنند و صحبت کنند و با شرایطی که دولت ایران تعیین می‌کند، درواقع خودشان را تطبیق بدهند. خب همه می‌دانستند با توجه به شرایط تحریم‌ها و اصل موقعیتی که کشور دارد، آن‌قدر دور به نظر می‌رسد که این درنهایت به فیلترینگ می‌رود. به هر حال کارزارهایی برای مخالفت راه افتاد. یک میلیون امضا در کارزار جمع شد. البته فضای مجازی و یوتیوبرها همه شروع به مخالفت کردند و حتی یک اتفاقی که افتاد، این بود که بزرگ‌ترین غول‌های شرکت‌های اینترنتی مثل نماوا، فیلیمو، دیجی‌کالا و اسنپ در یک بیانیه‌ای مخالفت‌شان را با این طرح اعلام کردند و جالب است که همان موقع‌ها که طرح صیانت مطرح شده بود، تحقیقاتی انجام دادند که دیدند میزان مهاجرت و تقاضای مهاجرت هم در ایران دارد افزایش پیدا می‌کند». او افزود: «با وجود یک میلیون رأی که در کارزار جمع شد، باز هم طرح ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی رأی آورد و قرار شد طرح برود در یک کمیسیون ویژه بررسی شود که براساس این مصوبه، طرح صیانت خارج از صحن علنی در یک کمیسیون ویژه با حضور نمایندگان مجلس بررسی می‌شود و به صورت قانونی و آزمایشی برای مدت سه تا هفت سال اجرائی می‌شود. حالا با مخالفت‌ها، فضاهای رسانه‌ای و مخالفان مجازی قرار شد که جلسات این کمیسیون‌ها به صورت آنلاین هم منتشر و پخش بشود. این کمیسیون تا حالا ۱۰ جلسه برگزار کرده به این صورت که بیش از نیمی از این جلسات صرف تدوین آیین‌نامه داخلی کمیسیون شده است. در نهمین جلسه هم نمایندگان از نسخه پیشنهادی وزارت ارتباطات برای طرح صیانت خبر دادند و درنهایت هم تصمیم بر این شد که برای لحاظ‌کردن نظرات دولت، بخش خصوصی و سایر دستگاه‌ها این طرح را به مرکز پژوهش‌های مجلس بفرستند که به مرکز پژوهش‌ها فرستادند و مرکز پژوهش‌ها هم طرح را برخلاف قانون اساسی دانست که دوباره طراحان طرح حتی مخالفت کردند و گفتند که اصلا نظرات مرکز پژوهش‌ها کاملا سیاسی است و حتی گفتند این محرمانه بوده و چرا رسانه‌ای شده است. آخرین اتفاقی که افتاده، این است که اسم طرح را دوباره تغییر دادند و اسم طرح تبدیل به «طرح تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی» شده است که البته باز هم می‌گویند تغییر چندانی در محتوا نکرده و همان نکات و انتقادات قبلی را دارد».

در ادامه این جلسه، حامد بیدی، مدیرعامل کارزار گفت: «جلسه اخیر ما با همین موضوع، یک جلسه بسیار تند و پرحاشیه بود و همان‌طور که انتظار می‌رفت، عملا هیئت‌رئیسه کمیسیون بسیار به مرکز پژوهش‌ها تاختند با همان لحنی که خب قبل از آن هم اخبار رسمی و غیررسمی و توییت‌هایی از آنها منتشر شده بود. آنجا هم همان اصطلاحات را به کار بردند. اینکه مرکز پژوهش‌ها بیانیه سیاسی داده و کارشناسی نکرده و اصلا چیزی که ما می‌خواستیم این نبوده و... . عملا هم هیچ اجازه‌ای به طرح انتقادات یا دفاع به نماینده مرکز پژوهش‌ها

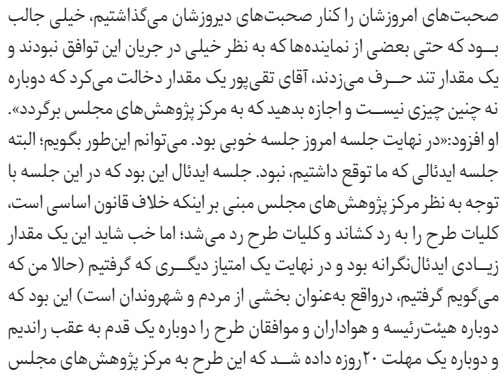

(معاونت فرهنگی اجتماعی مرکز پژوهش‌ها) نمی‌دادند؛ یعنی حتی وقتی آقای حیدرلو می‌خواست طرح را از رو بخواند، آن قسمتی که مزایای طرح را گفته بود اجازه دادند بخواند و به محض اینکه شروع شد به خواندن انتقادات، دوباره وسط حرف او پریدند و اجازه ندادند که بخواند.

حتی آقای نوری که آمد مسئله را مطرح کرد، به همین شکل به باد انتقاد گرفتند و فضا متأسفانه خیلی فضای تندی بود و خیلی توهین‌آمیز نسبت به مرکز پژوهش‌ها بود و اساسا می‌شود گفت خیلی از این رفتارها، رفتارهای سخیفی بود. این خیلی به‌نوعی برای ما ناامیدکننده بود که به این فکر کرده بودیم که طبعا وقتی مرکز پژوهش‌های مجلس هم که به‌عنوان بخشی از پارلمان می‌آید این نظر کارشناسی را می‌دهد که این طرح خلاف قانون اساسی است، دیگر احتمالا اینها باید یک مقدار عقب‌نشینی بکنند؛ ولی خب این عقب‌نشینی عملا در جلسه امروز اتفاق افتاد. جلسه امروز کاملا جلسه متفاوتی بود. این‌طور به نظر می‌رسید که به این جمع‌بندی رسیده بودند که درنهایت چاره‌ای ندارند جز اینکه این طرح را به مرکز پژوهش‌های مجلس برگردانند. از همان ابتدای جلسه آقای تقی‌پور، آقای سیاهکلی و بقیه اعضای هیئت‌رئیسه خیلی لحن ملایمی داشتند و سعی می‌کردند خیلی منطقی برخورد کنند و یک طوری برخورد کنند که اصلا گزینه منطقی غیر از این چیز دیگری نیست که خیلی طنزآمیز بود؛ یعنی اگر صحبت‌های امروزشان را کنار صحبت‌های دیروزشان می‌گذاشتیم، خیلی جالب بود که حتی بعضی از نماینده‌ها که به نظر خیلی در جریان این توافق نبودند و یک مقدار تند حرف می‌زدند، آقای تقی‌پور یک مقدار دخالت می‌کرد که دوباره نه چنین چیزی نیست و اجازه بدهید که به مرکز پژوهش‌های مجلس برگردد».

او افزود:«در نهایت جلسه امروز جلسه خوبی بود. می‌توانم این‌طور بگویم؛ البته جلسه ایدئالی که ما توقع داشتیم، نبود. جلسه ایدئال این بود که در این جلسه با توجه به نظر مرکز پژوهش‌های مجلس مبنی بر اینکه خلاف قانون اساسی است، کلیات طرح را به رد کشاند و کلیات طرح رد می‌شد؛ اما خب شاید این یک مقدار زیادی ایدئال‌نگرانه بود و در نهایت یک امتیاز دیگری که گرفتیم (حالا من که می‌گویم گرفتیم، درواقع به‌عنوان بخشی از مردم و شهروندان است) این بود که دوباره هیئت‌رئیسه و هواداران و موافقان طرح را دوباره یک قدم به عقب راندیم و دوباره یک مهلت ۲۰روزه داده شد که این طرح به مرکز پژوهش‌های مجلس برگردد و دوباره آنجا کارشناسی بشود. آخرین تصمیم این شد که طرح به مرکز پژوهش‌ها برگردد و درواقع به‌نوعی آن مهلت قبلی ۲۰ روز دیگر تمدید بشود. با این هدف که این بار مرکز پژوهش‌ها پیشنهادی را به‌عنوان پیشنهاد جایگزین برای کمیسیون مطرح کند. در این پیشنهاد جایگزین، آن نسخه وزارت ارتباطات، نسخه مرکز ملی فضای مجازی، نسخه‌ای که خود کمیسیون پشت درهای بسته در این مدت مخفیانه تدوین کرده بود و پیشنهادهای خودش را در مجموع ترکیب و تلفیق کند و یک نسخه پیشنهادی را به کمیسیون برای بررسی بدهد».

در ادامه، امیر ناظمی، معاون سابق وزیر ارتباطات، تصریح کرد: «می‌توانم بگویم این طرح در تقابل با لایحه‌ای بود که دولت در آن زمان آماده کرده بود؛ یعنی سال ۹۶ که چهار تا لایحه بود. این چهار لایحه برای مجلس فرستاده شده بود. پنج لایحه بود که بعد شد چهار لایحه. هر پنج لایحه براساس یک فرایند جمع‌سپاری نظرات متخصصان گرفته می‌شد و همچنان هم البته روی سایت سازمان فناوری اطلاعات وجود دارد و من قبل از شروع برنامه، لینک آن را برای آقای ... فرستادم؛ اما چرا متوقف شد؟ چون این نوع لوایح نیاز به جرم‌انگاری دارد؛ یعنی ما باید بعضی از رفتارها را به‌عنوان مثال نقض حریم خصوصی یک جرم تلقی کنیم و به‌همین‌خاطر که جرم‌انگاری دارد، تلقی مجلس در وضعیت فعلی این است که هیچ لایحه‌ای را که در آن جرم‌انگاری باشد، به دولت نمی‌تواند تحویل دهد و باید حتما در قالب طرح یا در قالب لایحه قوه قضائیه باشد. به‌همین‌دلیل هم بود که اتفاقی که افتاد، تشکیل یک کمیسیون مشترک بود بین مرکز پژوهش‌های مجلس، وزارت ارتباطات (یعنی سازمان فناوری اطلاعات به نیابت از وزارت ارتباطات) و مرکز پژوهش‌های قوه قضائیه. بیش از ۴۰ جلسه برگزار شد. جلسات به‌شدت طولانی بود. آن لایحه اولیه تغییراتی پیدا کرد. یک‌سری از لوایح در هم ادغام شدند و مدلی که برای عنوان در نظر گرفته شده بود، یک مدلی بود که براساس GDPR اتحادیه اروپا در نظر گرفته شده بود. براساس مدل و الگوهایی که وجود دارد، در ادامه هم اگر زمان باشد توضیح می‌دهم؛ که روی مواد مختلف آن بحث شده بود. درمورد اینکه چه چیزی داده‌های شخص تلقی می‌شود. به‌همین‌دلیل هم بود که در ماده ۲ داده شخصی، داده‌های شخصی حساس و حتی تفاوت بین دو تا بازیگر اصلی که در حوزه داده وجود دارند؛ یعنی کنترلگر و درواقع پلتفرم‌هایی که داده‌ها را جمع‌آوری می‌کنند و پراسسور که در حقیقت باز دوباره هویت ماست که اقدام به پردازش این داده‌ها می‌کند. این موارد تدوین شده بود و در مواد مختلف آمده بود که چه نوع داده‌هایی را کنترلگرها یا پراسسورها حق دارند استفاده کنند و به چه صورت می‌شود استفاده کرد».

او افزود: «براساس یک نُرم جهانی که وجود دارد، این انواع داده (داده شخصی و حریم خصوصی) تعریف شده بود و سعی می‌کرد از داده‌های شهروندان حفاظت کند و نوع حفاظت آن هم تقریبا با نرم جهانی برابر بود؛ ولی به نظر می‌رسد طرحی با اهداف دیگر و با استفاده از بهانه صیانت داده تهیه شد. همین که اسم آن هر بار تغییر می‌کند، به نظر من یک نشانه است؛ نشانه اینکه ما شاهد این هستیم که گروهی با اهداف خاصی نیازمند قوانین و مقرراتی هستند تا ایده‌هایی را که می‌توانم بگویم ایده‌های اشتباه و سراسر نادرست هست، پیش ببرند و به خاطر همین هر بار هم دست پیدا می‌کنند یا بهتر است بگویم به یک واژه دست می‌اندازند و یک واژه را مبتذل می‌کنند. یک روز واژه صیانت از داده‌ها را مبتذل می‌کنند و یک روز دیگر واژه تنظیم‌گری را. بهتر است واقعا اگر نیت‌شان چیز دیگری هست، همان را عریان بگویند. به نظر می‌رسد بندهای این قوانین و این طرح‌هایی که نوشته می‌شود، نه هیچ ربطی به حریم خصوصی افراد و صیانت از شهروندان دارد و نه هیچ ربطی به رگولیشن و تنظیم‌گری. کسی که اندک آشنایی داشته باشد، متوجه می‌شود که اهداف تهیه‌کنندگان این لوایح، اهدافی غیر از آن واژه‌ای هست که به کار می‌برند و آدم مدام یاد داستان‌هایی می‌افتد که خیلی از اوقات افراد اهدافی را تعریف می‌کنند و واژه‌ها را مصادره به مطلوب می‌کنند».

ناظمی تصریح کرد: «اما آن چیزی که ما در متن می‌توانیم به آن نگاه کنیم، یک نوع تناقض‌گویی و یک نوع نیت‌های پنهانی هست که پشت این مواد قرار دارد. من در مورد تناقض‌های درونی و مثال‌های داخلی و مربوط به ماده‌های مختلف صحبت نمی‌کنم چون این را حتما آقای بیدی و هم آقای کشوری بهتر از من می‌توانند صحبت کنند و بارها هم در این مورد صحبت کردند. دوست دارم در مورد یک موضوعی صحبت کنم که تناقضی هست که ما داریم در این متن مشاهده می‌کنیم و آن تناقض برمی‌گردد به یک فهم نادرست از مفهوم حکمرانی داده و حکمرانی اینترنت. به‌هرحال هر نظام حکمرانی بر پایه یک‌سری بنیان‌هایی گذاشته می‌شود که آن بنیان‌ها نشان‌دهنده نوع نگاه شما به دنیا و نوع نگاه شما به داده هست. قاعدتا وقتی ما می‌گوییم یک نظام حکمرانی برای نظام حکمرانی لیبرال یا سوسیالی است، می‌توانیم با استفاده از همین واژه بسیاری از پیشفرض‌های آن را در نظر بگیریم و حتی مفاهیمی را که در حوزه‌های مختلف استفاده می‌کنند، پیش‌بینی کنیم. اما واقعیتی که در حکمرانی اینترنتی وجود دارد، این است که ما شاید در دنیا دو دسته نظام حکمرانی داشته باشیم؛

۱) نظام حکمرانی چندذی‌نفعی؛ این نگاه مبتنی‌بر multistakeholderism است. در حقیقت اتفاقی که می‌افتد این است که تلاش می‌شود تا حکمرانی از طریق تعامل بین بازیگران متنوع ایجاد بشود. بازیگران اینترنت چه کسانی هستند؟ در درجه اول می‌توانیم بگوییم شرکت‌ها، مردم به عنوان کاربران و دولت‌ها. این نگاه که به‌وسیله آمریکا قاعدتا جلو می‌رود و خیلی از کشورها هم به دنبال این نگاه هستند، فرضش این است که برای حکمرانی اینترنت لازم نیست ما از مکانیسم‌های موجود در نظام جهانی استفاده کنیم و به همین دلیل هم هست که شما اگر ساختار icam را نگاه کنید، می‌بینید عملا یک شرکت هست که ثبت شده و دارد کار را جلو می‌برد.

۲) نظام چندجانبه‌گرایی؛ که یک نوع نگاه مبتنی بر multilateral approach است. در حقیقت این نگاه، نگاهی است که در آن اینترنت را مثل سایر مسائل جهانی یک امر بین‌دولتی می‌داند که باید از طریق تعامل بین دولت‌ها حل‌وفصل شود. اینجا هم اگر ما نگاه کنیم، می‌بینیم دو کشور روسیه و چین به‌طورخاص این نگاه را پشتیبانی و نمایندگی می‌کنند و قاعدتا یک‌سری کشور هم این نگاه را دارند.

اما هر دو این نگاه‌ها در سال‌های اخیر دچار چالش‌هایی شدند. چالش اصلی نگاه multistakeholderism یا همان چندذی‌نفعی این است که به‌طور طبیعی شرکت‌های بزرگ جهانی دست بالاتر را پیدا می‌کنند که از قضا این شرکت‌های بزرگ هم آمریکایی هستند و آنجا امکان حفظ حریم خصوصی برای شهروندان یا شرکت‌های کوچک‌تر کمرنگ‌تر می‌شود. از آن طرف نگاه چندجانبه‌گرایی که صرفا می‌خواهد مسئله را تبدیل به یک مسئله بین‌دولتی کند هم ناکارآمد است. چرا؟ چون با ذات اینترنت که یک پدیده غیرمتمرکز و غیردولتی است، در تعارض است و به همین دلیل است که شما می‌بینید در چند سال اخیر نگاه دیگری (نگاه ترکیبی) ایجاد می‌شود که شاید بیشترین مثال آن به سخنرانی آقای مکرون در igf ۲۰۱۸ برمی‌گردد. در این نگاه ترکیبی از یک سمت آن چند ذی‌نفعی را می‌پذیرد، ولی ساختار مدنظر را یک ساختار بین‌المللی در نظر می‌گیرد؛ یعنی فرضش این است که همان‌طورکه به‌عنوان مثال ما سازمان‌هایی را زیرمجموعه سازمان ملل متحد داریم برای مثال یونسکویی که در مورد موضوعات فرهنگی آموزشی تمرکز دارد یا یونیدویی که در مورد مسائل صنعت تمرکز دارد، یک نهاد دیگری در حوزه اینترنت ایجاد شود که در آن البته به غیر از دولت‌ها، نمایندگان NGOها که نمایندگی صدای کاربران هستند، حضور داشته باشند و همچنین شرکت‌ها و با حق رأی. چون در یونسکو و یونیدو هم نمایندگان NGOها به‌عنوان ناظر خیلی موقع‌ها شرکت می‌کنند ولی الزاما دارای حق رأی نیستند. این رویکرد سوم است».

او با بیان اینکه اما ما به همین نگاه به طرح صیانت نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که از یک طرف شرکت‌های جهانی را مخاطب قرار می‌دهد و از یک طرف حاضر به روابط چندجانبه‌گرایی نیست و این امر را یک موضوع داخلی در نظر می‌گیرد گفت: «حالا چه اتفاقی می‌افتد؟ شاید به نظر بیاید ما کشوری هستیم که دوست داریم این کار را انجام دهیم. یک اتفاقی که می‌افتد این است که شما در نظام بین‌الملل به‌هرحال یا باید خودتان یک برنامه‌ای را جلو ببرید و نمایندگی کنید و بتوانید یارگیری کنید، یا بین این نظام‌های مختلفی که وجود دارد بتوانید بازیگری بکنید، برای آنکه منافع مردم خودتان را بیشینه کنید. حالا اتفاقی که با یک طرحی مثل طرح صیانت می‌افتد، این است که عملا از این به بعد نمایندگان ایران در مجامع بین‌الملل یا باید انزوا را بپذیرند یا تبدیل به یک رأی نیابتی برای سایر بازیگران بشوند. خطر اینجاست که ما داریم خودمان را با همین قانون از آن نظام بین‌المللی هم حذف می‌کنیم و این‌طوری نیست که فکر بکنیم فقط یک سویه داخلی دارد. خیلی از موضوعاتی که الان دارد در مورد طرح صیانت بحث می‌شود، نگاهش معطوف به داخل کشور، به رقابت‌های داخلی و به مفاهیم داخلی بود؛ اما این قانون عملا دارد ما را در صحنه بین‌الملل هم حذف می‌کند و ما را تبدیل به بازیگری می‌کند که در خوشبینانه‌ترین حالت به نیابت از دیگرانی یک فعالیت را داریم انجام می‌دهیم. این برای من یک نشانه است؛ نشانه بزرگ‌تری از اینکه ما فهم و بنیانی برای نظام حکمرانی‌مان حداقل در حوزه اینترنت و فناوری اطلاعات نداریم. کسانی که این طرح را نوشتند حتی آشنایی با مفاهیم پایه‌ای نداشتند. اینکه ما نمی‌توانیم یک نظام منسجم، یک نگاه منسجم و یکپارچه به موضوعات مختلف داشته باشیم، از یک سمت ما را در داخل با مشکلات زیادی مواجه می‌کند که دوستان مرتب در مورد این هم صحبت کردند و خیلی خوب است که این آگاهی‌سازی منجر شده به اینکه امروز ببینیم حداقل یک اندک و اپسیلون بهبودهایی اتفاق می‌افتد که البته در کل موضوع هیچ تأثیری ندارد؛ چون کل موضوع، موضوعی است که آسیب‌های زیادی به ما می‌زند؛ اما در حوزه بین‌المللی آسیب‌های آن شاید چندبرابر باشد».

در ادامه محمد کشوری - مدیر گروه علمی تحقیقی طیف، با بیان اینکه ما در طرح قبلی عبارت کلمات خدمات پایه کاربردی داشتیم، گفت: «به زبان ساده خدماتی که ما الان حالت پلتفرم‌هایی که استفاده می‌کنیم مثل مثلا همین پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی که عمدتا اینها را دربرمی‌گیرد. در طرح جدید کلا این عبارت را حذف کردند و عبارت خدمات فضای مجازی را اضافه کردند؛ یعنی عملا طرح را به کل حوزه خدمات فضای مجازی گسترش دادند. البته یک بخش‌هایی از طرح قبلی هم به کل خدمات برمی‌گشت ولی آن تعهداتی که در مورد پلتفرم‌های خارجی بود و داخلی و بحث‌های این‌طوری که خیلی حساسیت‌زا شده بود، در مورد خدمات پایه کاربردی بود. الان عملا این به کل خدمات گسترش داده شده است. آن کمیسیون ماده۳ که قبلا بود، الان یک تغییراتی در این کمیسیون ماده۳ دادند هم از نظر وظایف و هم اینکه اعضا را هم ذکر نکردند. علت آن هم این بود که این کمیسیون قبلا در داخل مرکز ملی فضای مجازی وجود داشته و خب این اعضا را وقتی شما ذکر نمی‌کنید، عملا دست شورای عالی فضای مجازی باز است برای اینکه این اعضا را خودش بعدا به هر نحوی که می‌خواهد کم‌وزیاد کند.

ادامه در صفحه ۹

ادامه از صفحه اول

اقتصاد ملی و معمای برگشت محموله‌های صادراتی

با ارتقای کیفیت زندگی، طبعا استانداردهای اعمالی به محصولات وارداتی هم در طول زمان سخت‌گیرانه‌تر می‌شود. زیرا با افزایش قدرت خرید شهروندان دیگر کسی طالب کالای ارزان بدون شناسنامه نخواهد بود. ازاین‌رو تولیدکنندگانی که قصد ارسال محصولاتشان به این کشورها را دارند، باید به فکر بهبود مدام کیفیت محصول خود و رعایت استانداردهای جدید باشند. محله‌ای را در یک کلان‌شهر تصور کنید که در آن سطح درآمد افراد به سرعت در حال تغییر است. ساختمان‌های نوساز و مجهز یکی پس از دیگری به بهره‌برداری می‌رسند و مدل و نوع خودروهای ساکنان محل نیز به سرعت عوض می‌شوند. در چنین محله‌ای یک بقالی قدیمی که به‌صورت فله‌فروشی کار می‌کند، دیگر جایی نخواهد داشت و دیر یا زود باید تعطیل شود. زیرا ذائقه مشتریان به سرعت در حال تغییر است.

۳- آمارهای جهانی این واقعیت تلخ را به رخمان می‌کشند که سرعت پیشرفت کشورهای منطقه و بالارفتن کیفیت زندگی شهروندانشان به طرز محسوسی بیشتر از ماست. این اتفاق آثار منفی اجتماعی، فرهنگی و حتی امنیتی به دنبال دارد و باید هرچه سریع‌تر درمانی برایش یافته شود. اما افزایش موارد مرجوع‌شدن کالاهای صادراتی کشورمان در سال‌های اخیر نیز شاهد دیگری بر این مدعای آماری است که گویی سیستم تولید و بسته‌بندی و نظارت و در یک کلام شیوه مدیریت ما نسبت به رقبای منطقه‌ای در حال افول است و دیگر کالای صادراتی ما به مذاق آنان خوش نمی‌آید و آنان ترجیح می‌دهند کالاهای موردنیاز خود را از فروشگاهی تهیه کنند که هرچند قیمت بالاتری مطالبه می‌کند، اما ظاهری آراسته‌تر و خوشایندتر دارد.

۴- بسیاری از مسئولان و دولتمردان ما در چند دهه گذشته درک درستی از ماهیت صادرات و بازارهای صادراتی نداشته‌اند. وقتی صادرات یک محصول به‌دلیل کمبود در بازار داخلی به‌سرعت ممنوع می‌شود، معنایش این است که مقامات ذی‌ربط به دشواری‌های ورود به بازارهای هدف و ضرورت حفظ سهم از بازار توجه ندارند. در شرایطی که سایر کشورها برای حفظ سهم خود از بازار فلان کشور به‌اصطلاح خود را به آب و آتش می‌زنند، متولیان امر ما می‌پندارند مشتریان برای خرید محصولات صادراتی ما صف بسته‌اند و هر زمان بخواهیم صادر می‌کنیم و هر زمان نخواهیم، آنان را از مصرف کالای ایرانی محروم می‌کنیم. این دلاوران هرگز به این واقعیت توجه نکرده‌اند که حضور در بازار هدف و حفظ سهم از بازار فلان کشور از نظر اهمیت قابل مقایسه با داشتن پایگاه نظامی در خاک آن کشور است و اگر ما به هر دلیلی در بازار حاضر نشدیم، رقبا ازخداخواسته جایمان را می‌گیرند و بازگشتمان به آن بازار دشوار خواهد بود. ساده‌اندیشی در باب صادرات موارد و مصداق‌های فراوانی دارد که بیان آنها یادداشت مستقلی می‌طلبد.

۵- دولتمردان همان‌گونه که وظیفه دارند مانع ورود کالای غیراستاندارد به بازار داخلی شوند، به همین ترتیب باید به فکر آموزش تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی هم باشند و آنان را تشویق کنند که همسو و همگام با تغییر ذائقه مشتریان، سیستم تولید و بسته‌بندی و شیوه‌های بازاریابی خود را به‌روز کنند. در این میدان نهادهای دولتی باید با کمک به نهادهای صنفی و مردمی از ظرفیت آنها برای ارتقای سطح آگاهی تولیدکنندگان و ارائه فرصت‌های آموزشی استفاده کنند. به نظر می‌رسد بیشترین بخش ارتباط نهادهای نظارتی و عمومی با تولیدکنندگان کشورمان مربوط به مسائلی از قبیل دریافت مالیات، واریز مطالبات بیمه‌ای یا بررسی وضعیت اقساط تسهیلات بانکی باشد تا دادن تذکرات درباره ضرورت بهبود سیستم تولید و حفظ بازار.

۶- ریاست محترم جمهوری به‌درستی این نکته را مطرح کرده‌اند که باید بررسی شود علت برگشت محموله‌های صادراتی کشورمان مشکلات فنی است یا شیطنت بدخواهان و دشمنان ایران. طبعا هر دو عامل در این میانه نقش و سهم دارند. زیرا اگر ایراد فنی در کار نباشد، شیطنت بدخواهان خیلی سهل و آسان به نتیجه نخواهد رسید. به تعبیر عامیانه تا نباشد چیزکی، مردم نگویند چیزها.

اما از سوی دیگر باید توجه کنیم منطق اقتصادی به هیچ کشوری اجازه نمی‌دهد ارتباط اقتصادی خود با ایران را به قیمت ازدست‌دادن ارتباط اقتصادی با قطب قدرتمند اقتصادی جهان امروز حفظ کند. حتی کشوری مثل چین هم حاضر به ازدست‌دادن بازار آمریکا به خاطر همراهی با ما نیست و به‌ناچار امر و نهی‌های تحریمی آمریکا را رعایت می‌کند. به این ترتیب همان‌گونه که تولیدکنندگان وطنی باید خود را با شرایط و اقتضائات جهان امروز سازگار کرده و در شیوه‌های تولید، مدیریت و بازاریابی خود تجدیدنظر کنند، در میدان سیاست نیز ناگزیر هستیم تفکر سنتی را کنار بگذاریم و از پنجره منافع ملی و منافع اقتصادی بلندمدت به جهان سیاست بنگریم. اولین گام در این بازنگری اجباری، تقویت حوزه اقتصادی در دستگاه دیپلماسی کشورمان است. حضور رایزن‌های اقتصادی توانمند و کارآزموده در سفارتخانه‌های کشورمان به‌ویژه در کشورهای هدف یک ضرورت انکارناپذیر است. این رایزنان باید ارتباطی نزدیک با بازرگانان کشورمان داشته باشند و با هوشیاری و زیرکی تحولات اقتصادی کشورهای هدف را دنبال کرده و مشورت‌های لازم را به بازرگانان و فعالان اقتصادی کشورمان بدهند.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی و یک مرحله ای شماره ۱۴۰۰/۹۲/مب/ت۱
اجرای پروژه تعمیرات اساسی یک دستگاه الکتروموتور
ALSTOM (11KV550KWSN024AKP002) واحد آبسازی سکوی سروش منطقه بهرگان
نوبت دوم
شناسه آگهی ۱۲۴۹۶۷۹

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی یک مرحله ای با موضوع فوق الذکر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا تهیه لیست پیشنهاد دهندگان دارای ص